

عیسی، مولف و کامل کننده ایمان ما



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: عبرانیان ۱۰: ۳۵ تا ۳۹، رومیان ۱: ۱۷؛ عبرانیان ۱۱، یوشع ۲: ۹ تا ۱۱؛ عبرانیان ۱۲: ۱ تا ۳.

آیه حفظی: «و چشمان خود را بر قهرمان و مظهر کامل ایمان یعنی عیسی بدوزیم که به خاطر آن خوشی که پیش رو داشت، صلیب را تحمل کرد و ننگ آن را ناچیز شمرد و اکنون بر جانب راست تخت خدا نشسته است» (عبرانیان ۱۲: ۲).

احتمالا فصلهای ۱۱ و ۱۲ عبرانیان محبوب ترین فصل های کتاب هستند. آنها زندگی مسیحی را مسابقه ای توصیف می کنند که همه ما در آن شرکت داریم و آنانی که در آن تا آخر وفادار بمانند پاداش خود را دریافت می کنند. آنها همچنین نمایش رستگاری را همچون مسابقه ای توصیف می کنند که در آن افراد با ایمان، با وجود رنجها و سختیهای گذشته، ثابت قدم مانده اند، اما هنوز پاداش خود را دریافت نکرده اند.

و این به این دلیل است که داستان با ما پایان می یابد، و نه فقط آنها. ما پرده آخر این داستان هستیم. با ورود ما و اجرای آخرین قسمت این مسابقه، و نشستن در جانب راست تخت خداوند همراه عیسی در خط آخر مسابقه، این ماجرا به نقطه عطف خود می رسد. او نه تنها الهام بخش ماست، بلکه برای ما الگویی غایی از نحوه شرکت در این مسابقه را مهیا می کند. او شاهد غایی است که راستی را پاداش می دهد و اینکه او پیشاهنگ ماست که راه را برای ما باز می کند (عبرانیان ۶: ۱۹، ۲۰؛ عبرانیان ۱۰: ۱۹ تا ۲۳).

عبرانیان باب ۱۱ شرح می دهد که ایمان، اعتماد به وعده های خداوند است، حتی اگر هنوز نتوانیم آنها را ببینیم. این درس به بررسی این مسئله خواهد پرداخت، که ایمان چیست و چگونه از طریق الگوهایی در گذشته ولیکن، به طور خاص، از طریق عیسی، «بانی و کامل کننده ایمان ما» حاصل می شود (عبرانیان ۱۲: ۲).

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۱ اسفند - ۱۲ مارس آماده شوید.

صالحان با ایمان زندگی خواهند کرد

عبرانیان باب ۱۰: ۳۵ تا ۳۹ را بخوانید. در این آیات خداوند به ما چه می گوید؟

استقامت و پایداری یکی از ویژگیهای مردم زمان آخر است که آنها بدون داشتن این ویژگی قادر به دریافت وعده ها نخواهند بود (مکاشفه ۱۳: ۱۰؛ مکاشفه ۱۴: ۱۲). با این حال، ایمانداران برای پایداری و تحمل باید ایمان خود را «محکم» حفظ کنند (عبرانیان ۱۰: ۲۳؛ عبرانیان ۴: ۱۴). پولس نشان داده است که نسل بنی اسرائیل ساکن در بیابان به سبب بی ایمانی و بی وفایی، قادر به دریافت وعده نبودند (عبرانیان ۳: ۱۹). عبرانیان ایمانداران را در آستانه دست یافتن به وعده ها نیز به تصویر می کشد (عبرانیان ۹: ۲۸؛ عبرانیان ۱۰: ۲۵، ۳۶ تا ۳۸) و آنها برای دریافت وعده ها نیاز داشتند تا ایمان خود را حفظ و به آن عمل کنند (عبرانیان ۱۰: ۳۹).

پولس اظهارات خود را در مورد ایمان با نقل قولی از حقوق باب ۲: ۲ تا ۴ بیان می کند. حقوق از خدا سوال کرده بود که چرا او مردم خیانتکاری که بر صالحان ظلم و ستم روا می داشتند را تحمل می کند و در برابر آنها بردبار است (حقوق ۱: ۱۲ تا ۱۷). نبی و قومش در رنج و عذاب بودند؛ بنابراین، آنها می خواستند که خداوند وارد عمل شود. با این حال، خداوند پاسخ داد که زمان خاص و مشخصی برای تحقق وعده او وجود دارد و آنها باید منتظر بمانند (حقوق ۲: ۲ تا ۴). حقوق و قومش مانند ما بین دوران وعده و زمان تحقق آن زندگی می کردند. پیام خدا در عبرانیان ادامه می یابد: «او که باید بیاید، خواهد آمد و تأخیر نخواهد کرد» (عبرانیان ۱۰: ۳۷؛ همچنین حقوق ۲: ۳ را ببینید).

پیام به عیسی اشاره دارد. اوست که عادل است، و مظهر ایمانی است که خدا را خشنود و حیات را مهیا می سازد (عبرانیان ۱۰: ۵ تا ۱۰).

پس چرا، او آمدنش را «به تأخیر» می اندازد؟ او چنین نخواهد کرد. او قبلا آمده است تا برای ما جان خود را بدهد (عبرانیان ۹: ۱۵ تا ۲۶)، و مطمئنا در زمان مقرر دوباره خواهد آمد (عبرانیان ۹: ۲۷، ۲۸؛ عبرانیان ۱۰: ۲۵).

پیام خدا ادامه می دهد: «لیکن عادل به ایمان زیست خواهد نمود» (عبرانیان ۱۰: ۳۸). پولس در رومیان ۱: ۱۷ و غلاطیان ۳: ۱۱ همین مطلب را بیان می کند. رومیان باب ۱: ۱۶، ۱۷ بطور ویژه این مطلب را روشن می کند زیرا شرح می دهد که عدالت خدا «از آغاز تا به انجام بر پایه ایمان است». منظور پولس اینست که وفاداری خدا به وعده هایش در درجه اول قرار دارد، و وفاداری او، همچنین ثمره آن، منجر به ایمان ما و یا وفاداری ما می شود.

بنابراین، چون خدا به وعده های خود وفادار مانده است (دوم تیموتائوس ۲: ۱۳)، صالحان نیز در پاسخ به وفاداری خدا، وفادار خواهند ماند.

چرا مهم است که تشخیص دهیم که ایمان ما در وفاداری به خدا ریشه دارد و از آن قوت می

گیرد؟ چگونه می توانیم پیاموزیم که بیشتر به وفاداری خدا نسبت به ما و وعده هایی که به ما داده، اعتماد کنیم؟

۱۶ اسفند

دوشنبه

توسط ایمان ابراهیم

عبرانیان ایمان را چنین تعریف می کند: «ایمان، اطمینانی است به چیزهایی که به آن امیدواریم و اعتقادی است به چیزهایی که نمی بینیم» (عبرانیان ۱: ۱۱). سپس فهرستی از اشخاص ایماندار تاریخ اسرائیل را ارائه می دهد که الگویی برای نشان دادن مفهوم ایمان هستند، و این نشان می دهد که آنها چگونه ایمان را با اعمال خود آشکار ساختند.

عبرانیان باب ۱۱: ۱ تا ۱۹ را بخوانید. این «قهرمانان» ایمان چه کردند که ایمان آنها الگویی برای دیگران شد؟ چگونه اعمال آنها با امید به چیزهای نادیده ارتباط دارد؟

ابراهیم احتمالاً مهمترین شخصیت این فصل است. آخرین عمل ایمانی ابراهیم بخصوص در مورد ماهیت واقعی ایمان بسیار آموزنده است.

عبرانیان خاطرنشان می کند که دستورالعمل خدا به ابراهیم مبنی بر پیشکش نمودن اسحاق بعنوان قربانی به نظر می رسد که به معنای تناقضی از سوی خدا باشد (عبرانیان ۱۱: ۱۷، ۱۸). اسحاق تنها پسر ابراهیم نبود. اسماعیل فرزند اول ابراهیم بود، اما خدا به ابراهیم گفته بود که قبول درخواست ساره برای بیرون کردن اسماعیل و مادرش کاری درست است زیرا خدا از آنها مراقبت خواهد کرد، و نیز به این دلیل که نسل ابراهیم از طریق اسحاق ادامه می یافت (پیدایش ۲۱: ۱۲، ۱۳). اما در فصل بعدی، خداوند از ابراهیم می خواهد که اسحاق را بعنوان قربانی سوختنی تقدیم کند. به نظر می رسد دستورالعمل خدا در پیدایش باب ۲۲ کاملاً با وعده های خدا در پیدایش ۱۲ تا ۲۲ مغایرت داشته باشد.

عبرانیان نتیجه می گیرد که ابراهیم با رسیدن به این نتیجه که خدا اسحاق را پس از قربانی کردن او زنده خواهد کرد، این مسئله بغرنج را بطور شگفت انگیزی حل می کند. این شگفت انگیز است زیرا هنوز تا آن زمان کسی زنده نشده بود. اما، ظاهراً، تجربه قبلی ابراهیم با خدا او را به این نتیجه رسانده بود. عبرانیان باب ۱۱: ۱۲ خاطرنشان می کند که اسحاق بوسیله قدرت خداوند «از کسی که دیگر قادر به تولید مثل نبود» زاییده شده بود. پولس همچنین یادآوری می کند که، با وجود اینکه ابراهیم «قادر به تولید مثل نبود» و ساره نازا بود، ابراهیم ایمان داشت که «... در امید ... با اینکه امیدی نبود، پدر قومهای بسیار گردد» و زیرا او ایمان داشت که خداوند «مردگان را زنده می کند و نیستیها را هستی می بخشد» (رومیان ۴: ۱۷ تا ۲۰). بنابراین، ابراهیم باید تصور کرده باشد که اگر خدا به تعبیری یکبار در گذشته اسحاق را از نیستی به هستی آورده و جان بخشیده، می تواند این

کار را دوباره انجام دهد. در پرتو هدایت خداوند در گذشته، ابراهیم متوجه آنچه که او می تواند در آینده انجام دهد، شده بود.

چرا تفکر کردن در مورد چگونگی هدایت زندگی ما در گذشته از سوی خداوند، اکنون در حفظ ایمان و اعتماد ما به او بسیار مهم است؟

۱۷ اسفند

سه شنبه

موسی: ایمان به چیزهای نادیده

عبرانیان باب ۱۱: ۲۰ تا ۲۸ را بخوانید. این مردان ایمان چه کردند؟ چگونه اقدامات آنان با امید و امور نادیده ارتباط دارد؟

موسی دومین الگوی بزرگ ایمان در این فصل است. زندگی موسی با دو اقدام عصیان در برابر پادشاه معرفی و پایان می گیرد. والدین او هنگام تولد موسی، او را پنهان کردند، زیرا «از نافرمانی از پادشاه نترسیدند» (عبرانیان ۱۱: ۲۳)، و موسی مصر را ترک کرد، «و از خشم پادشاه نهراسید» (عبرانیان ۱۱: ۲۷). با این حال، مهمترین اقدام موسی این بود که او «نخواست پسر دختر فرعون خوانده شود» (عبرانیان ۱۱: ۲۴). اشاره به مادر خوانده «دختر فرعون» حاکی از آنست که قرار بود موسی فرعون بعدی باشد. با این وجود، موسی می خواست این احتمال را که به عنوان حاکم قدرتمندترین ملت آن زمان شود را از بین ببرد و در عوض اسرا یا پناهندگان را بر عهده گیرد.

عبرانیان ۱۱: ۲۴ تا ۲۷ را با عبرانیان ۱۰: ۳۲ تا ۳۵ ملاحظه کنید. چه شباهتهایی بین وضعیت مخاطبان اصلی عبرانیان و تجربه موسی وجود دارد؟

بزرگی و عظمت موسی در این بود که او قادر بود آنچه که فراتر از وعده های پادشاه مصر بود را ببیند و چشم امید به نادیده ها بدوزد، یعنی وعده های خدا. عبرانیان می گوید نکته اصلی این بود که نگاه موسی بر روی «پاداش» متمرکز بود، نه بر روی ثروت مصر. این پاداش، همان پاداشی است که در عبرانیان ۱۰: ۳۵ ذکر شده است، که خداوند به همه کسانی که به او ایمان دارند وعده داده است. سخنان پولس در مورد تصمیم موسی باید با قدرت و شدت در قلب خوانندگان اولیه او طنین انداز شده باشد. آنها به دلیل ایمانشان به مسیح، مورد سرزنش و توهین قرار گرفته بودند. آنها همچنین مورد آزار و اذیت بوده و دارایی خود را از دست دادند (عبرانیان ۱۰: ۳۲ تا ۳۴). برخی

از آنان در زندان بودند (عبرانیان ۱۳:۳). به همین ترتیب، موسی ترجیح داد تا از سوی قوم خدا مورد بدرفتاری واقع شود، ثروت مصر را بخاطر تحمل اهانت های مرتبط با مسیح معامله کند بخاطر اینکه او ایمان داشت که پاداش مسیح عظیم تر از هر چیزی است که مصر بتواند ارائه کند.

برخی از سختی هایی که به دلیل ایمان خود با آنها روبرو شده اید، چه هستند؟ از چه چیزی به خاطر ایمان خود گذشته اید؟ چرا، در نهایت، ارزش آنرا خواهد داشت، حتی اگر شما اکنون نمی توانید آنرا ببینید؟

۱۸ اسفند

چهارشنبه

توسط ایمان راحاب و بقیه

عبرانیان باب ۱۱: ۳۱ و یوشع باب ۲: ۹ تا ۱۱ را بخوانید. چرا راحاب، یک فاحشه بت پرست، در این آیات در میان شخصیتهای کتاب مقدس گنجانده شده است؟

راحاب احتمالاً غیر منتظره ترین شخصیتی است که در عبرانیان باب ۱۱ می یابیم. راحاب یکی از دو زنی است که به نام به آنها اشاره شده است. او دهمین نفر در این فهرست است، اولین فرد در این فهرست جد و بزرگ خاندان اسرائیل است، و هر فرد دیگر در این فهرست جزو صالحان شمرده می شود. وقتی به راحاب می پردازیم در می یابیم که او تنها یک زن بلکه یک فاحشه غیر یهودی است. شگفت آورترین مطلب اینست که او همچنین کانون موضوع و نقطه عطف این فصل است. این لیست به روش منحصر بفردی سازماندهی شده است. این الگوی تکراری انتظار را در خواننده برای شنیدن این ادعا به اوج می رساند که «یوشع با ایمان مردم را به سرزمین موعود هدایت نمود». اما این چیزی نیست که این آیه می گوید. در عوض، یوشع نادیده انگاشته می شود و یک روسپی جای او را می گیرد. پس از ذکر نام راحاب، الگوی تکراری عبارت بطور ناگهانی با این عبارت «دیگر چه گویم؟» پایان می گیرد (عبرانیان ۱۱: ۳۲). سپس، پولس به سرعت برخی از نام ها و رویدادهایی را ذکر می کند ولی به تفصیل در مورد آنها شرح نمی دهد.

عمل ایمانی راحاب اینگونه بود که شنید، ایمان آورد و اطاعت کرد، هرچند که ندیده بود. او بلایای مصر، یا نجات در دریای سرخ، یا روان شدن آب از صخره یا نزول نان از آسمان را ندیده بود؛ با اینحال، او باور کرد. او الگوی خوبی برای مخاطبان عبرانی بود، کسانی که نه سخنان عیسی را شنیده بودند و نه معجزات او را دیده بودند، و برای ما نیز همینطور، که هیچیک از این موارد را ندیده ایم. «راحاب فاحشه ای بود که در نزدیکی دروازه شهر اریحا زندگی می کرد. او دو جاسوس بنی اسرائیلی را مخفی کرد که برای بررسی استحکامات آن شهر فرستاده شده بودند. جاسوسان به دلیل رفتار محبت

آمیز او با آنها، و اعتراف و اعلام اعتقاد او به خدا، به او قول دادند که در هنگام حمله به اریحا جان راحاب و خانواده اش در امان خواهد ماند» مقدمه ای بر راحاب در کتاب دختران خدا، صفحه ۳۵. سپس پولس با فهرستی از سختی ها و مشکلاتی که بسیاری متحمل شده اند ادامه می دهد (عبرانیان ۳۵: ۱۱ تا ۳۸). عبارت «رهایی را نپذیرفتند» (عبرانیان ۱۱: ۳۵) به این معناست که آنها امکان و موقعیت فرار و رهایی را داشتند اما اینکار را انجام نمی دهند، زیرا آنها به پاداش خدا چشم دوخته اند.

اگرچه ما هیچیک از این موارد را ندیده ایم (خلقت شش روزه آفرینش، خروج، مصلوب شدن مسیح)، چرا ما دلایل بسیار خوبی برای باور آنها داریم؟

۱۹ اسفند

پنجشنبه

عیسی، بانی و کامل کننده ایمان ما

عبرانیان باب ۱۲: ۱ تا ۳ را بخوانید. خواسته های این آیات از ما چه هستند؟

اوج روایت ایمان در عبرانیان باب ۱۲ در واقع به عیسی می رسد. پولس نامه خود را با عیسی آغاز می کند، «او که باید بیاید» و او که «تاخیر نخواهد کرد» (عبرانیان ۱۰: ۳۷)، و پولس آنرا با عیسی مسیح «کامل کننده» ایمان ما خاتمه می دهد (عبرانیان ۱۲: ۲). عیسی «اساس و کامل کننده ایمان» است. این بدان معناست که عیسی کسی است که ایمان را ممکن می سازد و او الگو و مظهر کامل یک زندگی ایمانی می باشد. ایمان با عیسی به مفهوم کامل خود رسیده است. عیسی «بانی» (یا «مولف» یا «پیشاهنگ») ایمان ما در حداقل سه مفهوم است.

نخست، او تنها کسی است که این مسابقه را به معنای کامل آن به پایان رسانده است. بقیه اشخاصی که در فصل قبل درباره آنها صحبت شد کامل به هدف خود نرسیدند (عبرانیان ۱۱: ۳۹، ۴۰). با این وجود، عیسی وارد آرامش خداوند در ملکوت شده است و در جانب راست تخت پدر نشسته است. ما، همراه با این اشخاص، با عیسی مسیح در آسمان سلطنت خواهیم کرد (مکاشفه ۲۰: ۴). دوماً، در حقیقت این زندگی بی عیب و نقص عیسی مسیح بود که این امکان را برای این افراد فراهم کرده تا در این مسابقه بتوانند شرکت کنند (عبرانیان ۱۰: ۵ تا ۱۴). اگر عیسی مسیح نمی آمد، تلاش ها و مبارزات دیگران بی فایده بود.

و سرانجام، عیسی دلیل ایمان ماست. او بعنوان فردی که با خدا یکی بود، وفاداری خود نسبت به ما را ابراز کرد. خدا هرگز در تلاش برای نجات ما نا امید نشد و به همین دلیل، اگر نا امید نشویم و پایدار بمانیم در پایان به پاداش خود خواهیم رسید. عیسی با صبر و شکیبایی ادامه داد و وفادار ماند، حتی وقتی ما که هنوز ما در ایمان نبودیم (دوم تیموتائوس ۲: ۱۳). ایمان ما فقط پاسخی به وفاداری اوست.

در پایان، عیسی «کامل کننده» ایمان است زیرا او با الگوی خود نشان داده است که چگونه با ایمان در مسابقه باید دوید. او چگونه دوید؟ او با گذشتن از همه چیز بخاطر ما، از هر آنچه که به نفع خود بود گذشت (فیلیپیان ۲: ۵ تا ۸). او هرگز مرتکب گناه نشد، هرگز. عیسی محکم نگاه خود را به پاداشی دوخت که شادی پیش روی او از دیدن نجات و رستگاری نسل بشر به لطف و رحمت او بود. بنابراین، او بدرفتاری‌ها، ناسازگاری‌ها، و اهانت‌ها را متحمل شد؛ او ننگ و عار صلیب را ناچیز شمرد (عبرانیان ۱۲: ۲، ۳).

حال نوبت ماست تا بدویم. گرچه ما هرگز نمی‌توانیم آنچه که عیسی انجام داد را با قوت و قدرت خود انجام دهیم، اما ما نمونه و الگویی کامل را در پیش روی خود داریم، و پس با ایمان به او، و دوختن نگاه خود به او «همانطور که دیگران قبل از ما انجام دادند» با ایمان پیش می‌رویم و به وعده‌های او در مورد پاداش عظیم اعتماد می‌کنیم.

جمعه

۲۰ اسفند

اندیشه ای فراتر: «با ایمان متعلق به مسیح شده اید و با ایمان در او رشد کرده اید - با دریافت کردن و ارزانی داشتن. شما همه چیز را باید بخشید، - قلبتان، خواسته تان، خدمت تان، - خود را به او با اطاعت ارزانی نماید با تمامی خواسته های او؛ و شما باید همه چیز را بگیرید - مسیح، پری تمامی برکات، تا در قلبتان ساکن شود، تا قوت تان بشود، عدالت تان بشود، کمک کننده همیشگی تان بشود، - تا به شما قوت بدهد تا اطاعت کنید» - الن جی وایت، گام‌هایی بسوی مسیح، صفحه ۷۰.

«خدا هرگز از ما نمی‌خواهد تا ایمان داشته باشیم، بدون اینکه شواهد کافی بما بدهد تا بنیانی برای ایمان ما بشود. وجود او، شخصیت او، حقیقت کلام او، همگی با شهادتی استوار شد که عقل و استدلال ما را می‌طلبند؛ و این شهادت فراوان است. با این وجود خداوند احتمال شک و تردید را نزدوده است. ایمان ما باید بر اساس شواهد باشد و نه بر اساس ظواهر. کسانی که بخواهند شک کنند فرصت دارند؛ در حالی که کسانی که واقعا مشتاق دانستن حقیقت هستند شواهد بسیاری خواهند یافت که مبنای ایمانشان می‌شود.

«برای ذهن‌های فانی ممکن نیست تا بطور کامل شخصیت و یا اعمال یگانه ابدی را درک کند. برای خردمندترین افراد و ذهنهای فرهیخته، آن موجود مقدس با پوششی از اسرار باقی خواهد ماند. آیا می‌توانید با جستجو خدا را بیابید؟ آیا می‌توانید با کمال خود آن قادر متعال را بیابید؟ به بلندای آسمان خواهد بود؛ چه می‌توانید بکنید؟ عمیق‌تر از هاویه خواهد بود؛ چه می‌توانید بکنید» (ایوب ۱۱: ۷ و ۸) - الن وایت، گام‌هایی بسوی مسیح، صفحه ۱۰۵).

سوالاتی برای بحث:

۱. یکی از محققان اولیه مسیحی یکبار به لاتین نوشت: *Credo ut intelligam*، به معنای «من باور می‌کنم به منظور این که بتوانم دریابم». عبرانیان باب ۱۱: ۳ می‌گوید که «به ایمان در می‌یابیم». چه رابطه‌ای بین ایمان و درک وجود دارد؟ چرا ایمان اغلب قبل از درک مطرح می‌شود؟

شود؟ یعنی چرا ما باید گاهی حداقل در ابتدا به آنچه که درک نمی کنیم ایمان داشته باشیم، و سپس درک بیشتری از آن خواهیم داشت؟

۲. واژه یونانی *pistis* هم به معنای «ایمان» و هم «وفاداری» است. چرا هر دو معنا در جستجوی فهمیدن مفهوم زندگی «باایمان» است؟ چگونه مردم در عبرانیان باب ۱۱ با وفاداری خود واقعیت ایمان خود را نشان دادند؟ چگونه ما هم می توانیم همین کار را انجام دهیم؟

۳. اگرچه ما می دانیم که ایمان به واسطه فیض خداوند اعطا می شود (رومیان ۱۲: ۳)، در صورت وجود آن، چه نقشی در دریافت و حفظ آن عطیه بازی می کنیم؟